

ارزیابی وضعیت کشورهای عضو سازمان منطقه‌ای گوآم

در عصر جهانی شدن

زهرا پیشگاهی فرد* - دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده جغرافیا، تهران، ایران
محمدرضا رضایی - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، گروه جغرافیا، مرودشت، ایران
حجت مهکویی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران

پذیرش نهایی: ۹۱/۳/۲۵

دریافت مقاله: ۹۰/۸/۱۴

چکیده

بازی بزرگ قرن نوزدهم رقابتی کاملاً استعماری در عرصه‌ی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی بود که با وقوع انقلاب کبیر روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی پایان یافت. تا این که در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی با فروپاشی شوروی، منطقه آسیای مرکزی این بار در کنار مناطق جنوبی قفقاز که در مجموع، ارواسیای مرکزی خوانده می‌شوند بار دیگر عرصه‌ی رقابت و بازی میان قدرت‌هایی شد که از آن با عنوان بازی بزرگ جدید یاد می‌شود. با وجود همه این تحولات به وقوع پیوسته در مناطق ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک جهان، چشم‌اندازها و خیزش‌هایی به سمت منطقه‌گرایی و اتحاد و ائتلاف به چشم می‌خورد تا همواره از نفوذ و قدرت بازیگران اصلی بازی در نظام جهانی کاسته شود. یکی از این مناطق ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز می‌باشد که همواره مورد توجه بوده و در سال‌های اخیر درگیر چالش‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی بوده است. این مقاله در پی آن است تا نقش و عملکرد کشورهای منطقه قفقاز جنوبی را در قالب سازمان منطقه‌ای گوآم در عصر جهانی شدن ارزیابی نماید. سازمان منطقه‌ای که در واقع به منظور حل یا جلوگیری از مشکلات منطقه‌ای باعث شد گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی، سازمان منطقه‌ای گوآم را در سال ۱۹۹۷ میلادی تأسیس کنند.

واژگان کلیدی: ارواسیای مرکزی، قفقاز، گوآم، منطقه‌گرایی، جهانی شدن.

۱. مقدمه

منطقه قفقاز در محدوده‌ای به وسعت ۴۰۰ هزار کیلومتر، مربع بین غرب دریای خزر شرق دریای سیاه و در همسایگی شمال غرب ایران و شمال شرق ترکیه واقع شده و رشته کوه‌های قفقاز بزرگ به طول ۱۲۰۰ کیلومتر در جهت شمال غربی از شبه جزیره تمان در تنگه کرچ (بین دریای سیاه و دریای آزوف) و جنوب شرقی تا شبه جزیره آبشوران در غرب دریای خزر (در شرق جمهوری آذربایجان) کشیده شده است. این منطقه بخشی از سرحدات روسیه را تشکیل می‌دهد، به همین سبب هم در دوره تزاریسم و هم دوره حکومت شوروی از اهمیت خاصی برخوردار بوده که به سبب ویژگی‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی آن است. منطقه قفقاز محل تلاقی دو پیمان نظامی عمده جهان در دوره جنگ سرد بود. قلمروهای پیمان ناتو و پیمان ورشو در این منطقه با یکدیگر تلاقی می‌کردند (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۴۵). ولی هم اکنون دو ساختار یکپارچه نظام جهانی در سال‌های قبل - سیستم‌های نظام سرمایه داری و سوسیالیستی - به زوال رفته‌اند و توسط مکانیسم‌های جدید و کاملاً اصولی که جایگزین شده؛ یک ساختار منطقه‌ای واحد، پهنه ژئوپلیتیکی ارواسیا را در زمان حال شکل داده‌اند و تعامل مسایل و مشکلات توسعه گوام را کاملاً مرتبط ساخته‌اند.

همان طور که رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف در سخنرانی خود در نشست سران گوام در باکو (۱۸-۱۹ ژوئن ۲۰۰۷) بیان داشته است، این سازمان می‌تواند یک نقش مهم را در همکاری‌های منطقه‌ای در کشورهای ارواسیا بر عهده داشته باشد. این منطقه همواره دارای اهمیت ژئواستراتژیک برای قدرت‌های بزرگ به ویژه برای روسیه است. به طوری که «روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی، الگوی همیشگی تاریخ روسیه را در قفقاز به نمایش گذاشته است. این منطقه که از دیرباز سکونتگاه گروه‌های مختلف قومی و مذهبی بوده، پس از فروپاشی اتحاد شوروی به عرصه ظهور و تقویت گرایش‌های ملی گرایانه و تشدید منازعات منطقه‌ای تبدیل شد. قفقاز در مقایسه با آسیای مرکزی به استثنای قزاقستان برای روسیه اولویت بیشتری دارد (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۰). همچنین باید به این واقعیت توجه داشته باشیم که منطقه قفقاز بعد از فروپاشی شوروی با توجه به واقعیت‌های ژئوپلیتیکی آن به خصوص مسائل قومی - نژادی و محصور بودن در خشکی، یکی از ناامن‌ترین مناطق دنیا بوده است. علیرغم این مسائل، در صورت استفاده از منطق جغرافیای سیاسی در معادلات منطقه می‌توان تهدیدات موجود را به فرصت تبدیل نمود. با توجه به این موضوع که این منطقه در مسیر کریدور ارتباطی شمال - جنوب و غرب - شرق (طرح ارتباطی تراسیکا) قرار دارد، مرز تلاقی دو تمدن بزرگ اسلامی و مسیحی به شمار می‌رود، دروازه ورودی قدرت‌های بزرگ به منطقه آسیای مرکزی محسوب می‌شود (ولی‌قلی‌زاده و الله‌وردی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۶۳).

در شرایط جهانی شدن، الگوهای فضایی مطرح در جغرافیا تغییر می‌یابد و تحولات جهشی فناوری ارتباطی و رایانه‌ای، فضای تازه‌ای را در جهان ایجاد می‌کند. به گفته مانوئل کاستلز فشرده سازی زمان و مکان در فضای جریان‌ها چنان رخ داده است که فضایی مجازی و تقریباً بدون زمان و مکان به وجود آورده است. این فضای مجازی همان فضای الکترونیک و دیجیتال^۱ است که اقتصاد جهانی جدیدی پدید آورده است که این اقتصاد را بی وزن و بی مرز نامیده‌اند.

در چنین فرآیندی منطقه‌بندی‌های جدیدی در سطوح خرد و کلان و در ابعاد اقتصادی یا فرهنگی پدیدار می‌شوند که با آنچه امروزه به عنوان منطقه در جغرافیا مطرح است، تفاوت دارد. کنت والتز می‌گوید قسمت اعظم جهان از موج جهانی شدن کنار گذاشته شده است، قسمت اعظم آفریقا و آمریکای لاتین، روسیه، تمامی خاورمیانه به جزء اسرائیل و بخش قابل توجهی از آسیا. برخی این مناطق را حاشیه‌ی منطقه‌ی جهانی شدن نامیده‌اند (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۰: ۸۸).

۲. بیان مسئله

خیزش کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ثبات و همگرایی منطقه‌ای، جهت رسیدن به توسعه و پیشرفت در هزاره سوم کاملاً مشهود است. در منطقه ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی قفقاز این خیزش در قالب سازمان منطقه‌ای گوم شروع شده است. این منطقه دروازه ورود به منطقه آسیای مرکزی و دریای خزر است که گرجستان دروازه ورودی به قفقاز می‌باشد. تا زمانی که دلایل ظهور گوم این گروه را خوب نگه دارد (و آنها همان طور که ذکر شده به همان نسبت آغازین هنوز هم به هم مرتبط هستند و اگر سایر شرایط نیز ثابت باقی بماند) این نهاد به موجودیت خود ادامه می‌دهد. در حالی که رابطه بین کشورهای عضو این نهاد، توسعه یافته و عمیق‌تر خواهد شد. کوچک‌ترین شکی در میان هیچ کدام از کشورهای عضو گوم، در این مسئله نیست. اما این کشورها بر مسئله جدایی طلبی در کشورهای عضو سازمان دیرپا زود غلبه خواهند کرد.

مسئله حائز اهمیت این است که عناصر ساختاری منطقه‌ای جدید برای کشورهای در حال توسعه، بر اساس اصول سازگار و متمم اقتصادی-اجتماعی در بین کشورهای همجوار می‌باشد. فن توانایی آنها در کار کردن با همدیگر در زمینه‌های اقتصاد جهانی و سیاست‌های جهانی می‌باشد. از این رو ارواسیای مرکزی همانند منطقه محوری این سیاره به صورت سیستماتیک نقش حلقه‌ی متصل کننده در تمام طول گستره‌ی ارواسیا را انجام می‌دهد و وجود مکانیسم‌های مؤسسه‌ای و درون کشوری مؤثری را برای اطمینان از یکپارچگی اقتصادی-اجتماعی مناطق بزرگ و نسبتاً مستقل از چنین مکانیسم‌هایی را قابل تصور و مفروض می‌سازد. در واقع «بر اساس دیدگاه ژئوپلیتیک مقاومت، اوضاع سیاسی-اجتماعی جوامع اوراسیای مرکزی، ویژگی حکومت‌های منطقه، بازیگران مداخله‌گر و نیروهای اجتماعی موجود در جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذاری هستند که طی بازی بزرگ جدید مورد توجه قرار می‌گیرند» (یزدانی و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

سوال اصلی در این مقاله این است که آیا سازمان منطقه‌ای گوم در عصر جهانی شدن در منطقه‌ی قفقاز جنوبی توانسته نقش مؤثری در بهبود و اتخاذ سیاست مناسبی در پیوند کشورهای منطقه قفقاز و ارواسیا ایفاء کند؟ بر این اساس فرضیه پژوهش بر این استوار است که سازمان منطقه‌ای گوم در عصر جهانی شدن در منطقه‌ی قفقاز نتوانسته نقش مؤثری در بهبود و اتخاذ سیاست مناسبی در پیوند کشورهای منطقه قفقاز و ارواسیا ایفاء کند.

۳. مروری بر ادبیات تحقیق

۳-۱. منطقه‌گرایی

برای شکل‌گیری سازمان منطقه‌ای و پیوند و گروه‌بندی منطقه‌ای نیاز به عوامل و زیر ساخت‌های اساسی و مشترک (موقعیت ژئوپلیتیکی، سطح توسعه متعادل، فرهنگ مشترک، جمعیت همحوان و ...) میان چندین کشور در یک منطقه می‌باشد. در واقع وجود یا عدم وجود این گونه مشخصات می‌تواند به همگرایی و واگرایی میان کشورها بینجامد. «همگرایی و واگرایی دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و یا بازیگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به عبارتی بازیگری که تن به شرکت در فرآیند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می‌دهد به این می‌اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تأمین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. بنابراین فلسفه این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل‌گیری آنها تشکیل می‌دهد. فرآیند همگرایی و واگرایی در ارتباط با بازیگران سیاسی و دولت‌ها، از احساس و درک هدف و منفعت مشترک و یا بر عکس آن اهداف و منافع متعارض شروع می‌شود و سپس مراحل بعدی آن ادامه پیدا می‌کند و نیروهای اصلی و یا کاتالیزور به تقویت روند کمک کرده تا فرایند را کامل نمایند. این فرآیندها از حیث تجلی فضایی ممکن است در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی شکل بگیرند. مرحله پایانی فرایندهای مزبور را یکپارچگی با پیامدهایی چون امنیت، صلح و توسعه، و یا بر عکس تجزیه با پیامدهایی چون تنش، جنگ و توسعه نیافتگی تشکیل می‌دهد. همگرایی به لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود، واگرایی در برابر آن، عبارتست از تفکیک و جدایی از همدیگر و دور شدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص» (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷۳).

از همگرایی تعاریف زیادی انجام گرفته است، ارنست هاس همگرایی را این‌گونه تعریف می‌کند: همگرایی فرآیندی است که طی آن بازیگران سیاسی چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌های فعالیت‌های سیاسی و انتظارت خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند که نهادهای این مرکز از صلاحیتی برخوردارند که دولت‌های ملی موجود را تحت پوشش خود می‌گیرد و یا چنین صلاحیتی را می‌طلبند؛ هاس این مسئله را مورد توجه قرار می‌دهد که یک سازمان بین‌المللی تا چه حد می‌تواند مرزهای ملی را درنور دیده و در نتیجه نظام بین‌الملل را دگرگون سازد. سیاست‌های دولتی - که حاصل تعامل بازیگران ملی با محیط خود هستند - درون دادهای نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. مجموعه قوانین پذیرفته شده و سازمان‌ها، ساختار نظام بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. ساختارها درون‌دادها را دریافت کرده و آنها را از صورت وظایف به صورت کنش‌ها در می‌آورند. تصمیمات دسته‌جمعی، برون دادهای نظام بین‌الملل هستند، این برون‌دادها ممکن است محیط بین‌الملل را به نحوی تغییر دهند که باعث ایجاد تمایلات همگرایانه و یا واگرایانه در درون نظام بین‌الملل شوند. اگر ساختارهای ضعیف نظام بین‌الملل از پس وظایف بر نیایند، برون‌دادهای آنها وارد محیط بین‌الملل می‌شوند که در آن بازیگران ملی آماده‌اند تا نهادهای معطوف به همکاری در سطح بین‌الملل را تقویت یا تضعیف کنند. در هر صورت، اهداف بازیگران احتمالاً باعث پیدایش کارکردهای (به معنای نتایج

کنش‌هایی که ممکن است عواقب ناخواسته‌ای در پی داشته باشند) جدیدی می‌شوند. اهداف و کارکردها به دو طریق ممکن است نظام بین‌الملل را دگرگون سازند: ۱. منجر شدن به نوعی تجربه و فراگیری که اهداف اولیه بازیگران را تقویت کرده و در نتیجه به همگرایی می‌انجامد. ۲. منجر شدن به نوعی تجربه و فراگیری که به ارزشیابی مجدد اهداف کمک کرده و در نتیجه به واگرایی می‌انجامد» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۹۹۲: ۶۷۷-۶۶۶).

در اغلب موارد همگرایی در سیاست بین‌الملل مترادف با منطقه‌گرایی تلقی می‌شود، از آنجا که همگرایی را به صورت خیلی عینی‌تر و ملموس‌تر در سطح منطقه ملاحظه می‌کنیم، ضروری است که در مورد آن سخن بگوئیم. منطقه‌گرایی در سیاست بین‌الملل که گاه مترادف فوق ملی‌گرایی و یا گرایش‌های بین‌حکومتی شناخته می‌شود، به گسترش قابل ملاحظه همکاری‌های اقتصادی و سیاسی میان دولت‌ها و سایر بازیگران در نواحی جغرافیایی خاصی اشاره دارد. اصولاً منطقه به صورت ترکیبی از نزدیکی جغرافیایی، درجه بالای تعاملات، چارچوب‌های نهادی و هویت‌های فرهنگی مشترک تعریف می‌شود. در این مورد از نظر تجربی باید بر میزان جریان‌ات تجاری، مختصات، ارزش‌ها و تجارب مشترک تأکید کرد. در هر صورت مناطق پویایی خاص دارند، بنابراین ضروری است همکاری‌های منطقه‌ای را بر اساس رشد و تعاملات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و هویتی نیز مورد توجه قرار دهیم. بدین ترتیب درجه انسجام، یکپارچگی و همگرایی منطقه‌ای را باید در کم و کیف عوامل مزبور جستجو کرد (قوام، ۱۳۸۴: ۵۵-۵۴).

۲-۳. جهانی شدن و شکل‌گیری سازمان‌های منطقه‌ای جدید

با دگرگونی و تحولاتی که در جهان بعد از انقلاب صنعتی بوجود آمد، به ویژه از جنگ جهانی دوم به بعد، که کشورها در صدد درس گرفتن از مخاصمات گذشته خود بر آمدند، جوامع تحولات و گام‌های نوینی را در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی طی کرده‌اند. و در واقع کره خاکی را در حد یک دهکده در نظر آوردند تا به توانند بهتر ارتباطات و مراودات میان خودشان را برقرار کنند. هنگامی که مارشال مک لوهان کانادایی در دهه ۱۹۶۰ میلادی اصطلاح دهکده جهانی را مطرح کرد در واقع خبر از یک تطوّر بنیادی در نظام اجتماعی کشورها داد. این دگرگونی را کشورهای ثروتمند و توسعه یافته به خوبی درک کردند و همگام با زمان، خود را به جلو بردند. نظر مک لوهان این بود که جهان در حد یک دهکده کوچک شود که در این میان، وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها نقش برجسته‌ای را در این موضوع بر عهده دارند. هر چند که «جهانی شدن و جهانی ساختن پدیده‌های کهن هستند که ریشه آنها به سده شانزدهم میلادی بر می‌گردد، این پدیده از زمان جنگ‌های سده‌های میانه و عهدنامه‌هایی که میان برخی از کشورهای اروپای باختری و اروپای مرکزی به امضاء رسید، آغاز شد. از دیدگاهی دیگر، جهانی شدن پدیده نوینی است که پس از جنگ جهانی دوم (۱۹۳۶-۱۹۴۵) و از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی آغاز شد. جهانی شدن و مفهوم آن از حدود سال ۱۹۶۰ میلادی بر سر زبان‌ها افتاد و بنا به گفته رنالد رابرتسون در سال ۱۹۹۲ میلادی، جهانی شدن تا میانه ۱۹۸۰ اهمیت علمی نداشت ولی از آن پس کاربرد این مفهوم کاملاً جهانی شد» (آشفته تهرانی، ۱۳۸۷: ۳۷۸-۳۷۹).

کینچی اوهمای یکی از اندیشمندان است که به پیامدهای گوناگون جهانی شدن از جمله پیامدهای سیاسی آن پرداخته و معتقد است که در برابر بازار و ساز و کارهای آن دیگر عمر

دولت - ملت به پایان رسیده است و پیش‌بینی می‌کند که به جای آن سیستم دولت شهری جایگزین خواهد شد. به نظر وی در سال‌های آینده ۲۰۰ یا ۳۰۰ شهر بزرگ همچون: لندن، نیویورک، فرانکفورت، بمبئی، بارسلون، و هنگ‌کنگ در قالب دولت شهری وارد اقتصاد الکترونیکی جهان خواهند شد و در این سیستم به طور مستقیم نقش آفرینی خواهند کرد. به نظر او همای برای این شهرها دیگر مهم نیست که جزء کدام کشور باشند و تولیدات آنها برای بازارهای جهانی است و سمت و سوی حرکت‌شان در جهت بازار یکپارچه جهانی است. آنچه او همای بیان می‌دارد، اوج تأثیر پذیری شهرها از جهانی شدن است تا بدان جا که وی نقش دولت‌ها را نادیده گرفته است و در عین حال شهرهای جهانی را به عنوان بازیگران اصلی جهانی شدن معرفی کرده است. شهرهای جهانی از بخش تولیدی فاصله می‌گیرند و برای پایگاه خود در رهبری جهانی روی به خدمات می‌آورند. بنابر این جهان شهرها شهرهایی با جمعیت بالا و تولید انبوه نیستند. بلکه آنها از طریق عملکردهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی در جهان قابل تشخیص هستند» (حاتمی‌نژاد و جهانگیر، ۱۳۸۷: ۴۱). در حال حاضر اصرار طبیعی کشورها و ملت‌ها برای یکپارچه شدن این است که چه چیز دنیا را بیشتر به سمت جهانی شدن هدایت می‌کند. حتی قدرت‌های بزرگ پیوسته در جستجوی دوستان جدید می‌باشند به این منظور که متحدان سیاسی جدیدی را داشته باشند. خلاءهای اقتصادی خود را پر کنند و از نظر اخلاقی خود را در حد تبادلات فرهنگی غنی سازند. واضح است که به طبع آن کشورهای کوچک بیشتر تمایل دارند ارتباطاتشان طولانی مدت، مطمئن و مؤثر باشند. کشورهای کوچک باید در انتخاب شریک احتیاط ویژه‌ای داشته باشند. زیرا متحدان آنها با کشورهای بزرگ و قدرتمند به ندرت منصف می‌باشند و به عنوان یک قانون، حاوی خطرات پنهان زیادی می‌باشند (Summer, 1995:369-368).

۴. روش‌شناسی تحقیق

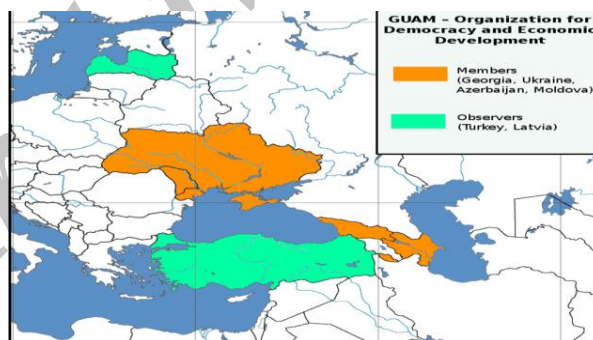
روش تحقیقی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته به طریق توصیفی - تحلیلی است و از منابع کتابخانه‌ای، سایت اینترنت و یاری جستن از جداول که با موضوع تحقیق ارتباط داشته است، بهره گرفته شده است.

۵. یافته‌ها

۵-۱. چگونگی شکل‌گیری و تأسیس سازمان منطقه‌ای گوآم

سازمان منطقه‌ای گوآم متشکل از چهار کشور: گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی است که همگی از جمهوری‌های شوروی هستند و در منطقه قفقاز و جنوب غرب فدراسیون روسیه واقع شده‌اند. در سال ۱۹۹۷م. رهبران این چهار کشور تازه استقلال یافته طی نشستی در حاشیه اجلاس سران شورای اروپا در استراسبورگ فرانسه، با صدور بیانیه‌ای تصمیم و توافق خود را مبنی بر ایجاد یک سازمان همکاری منطقه‌ای به نام «گوآم» اعلام کردند. واژه گوآم ترکیبی از حروف اول چهار کشور گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی بر اساس ترتیب حروف الفبای روسی است. در سال ۱۹۹۹ میلادی جمهوری ازبکستان نیز به عضویت این سازمان در آمد و با این اقدام، گوآم حوزه جغرافیایی خود را به شرق دریای خزر یعنی آسیای

مرکزی هم گسترش داد. اما عضویت این کشور چندان پایدار نبود و این کشور ظاهراً به علت آشکار شدن هرچه بیشتر ماهیت این سازمان از یک سو و دخالت مستقیم آمریکا به عنوان حامی گوآم در بروز انقلاب‌های رنگی از سوی دیگر، که تاشکند را هم در سال ۲۰۰۵ میلادی تا آستانه انقلاب رنگی پیش برد، از آن خارج شد و رسماً در همین سال جدایی خود را از گوآم اعلام کرد. به دنبال نشست‌های پراکنده‌ای که مقامات کشورهای عضو گوآم از سال تأسیس آن در سال ۱۹۹۷ میلادی به بعد داشته‌اند، در ماه می میلادی (۲۰۰۶) اولین اجلاس سران چهار کشور عضو در شهر کیف برگزار شد. در این نشست علاوه بر رهبران گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی مقامات برخی دیگر از کشورها، به ویژه چند کشور شرق اروپا از جمله: لهستان، رومانی و بلغارستان و همچنین نمایندگانی از سایر سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی حضور داشتند. در ۱۹ ژوئن سال ۲۰۰۷ میلادی دومین نشست سران کشورهای عضو گوآم در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان برگزار شد که علاوه بر رهبران کشورهای عضو، روسا و مقامات شش کشور اروپایی (لهستان، رومانی، بلغارستان، لیتوانی، لتونی و استونی)، هیئت‌های نمایندگی آمریکا و ژاپن و نیز نمایندگانی از برخی مجامع و سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل، پارلمان اروپا، سازمان امنیت و همکاری اروپا و... نیز در آن شرکت کردند، به طوری که مجموع تعداد هیئت‌های نمایندگی حاضر در اجلاس بنا بر گزارش رسانه‌های باکو (محل برگزاری نشست) به حدود سی هیئت و نمایندگی رسید. در اجلاس ماه می ۲۰۰۶ میلادی، ریاست دوره‌ای سازمان گوآم برای مدت یک سال در اختیار اکراین قرار گرفته بود که با انقضای آن، در اجلاس اخیر این ریاست برای دوره یک ساله جدید به عهده جمهوری آذربایجان گذاشته شد. دبیرخانه دائمی این سازمان طبق توافق اعضاء در کیف، واقع شده است. عنوان این تشکیلات از سازمان همکاری‌های منطقه‌ای گوآم در ابتدای تأسیس به «سازمان توسعه دموکراسی و اقتصادی گوآم» تغییر یافته و در حال حاضر با این اسم و عنوان معرفی و شناخته می‌شود (<http://negahema.mihanblog.com/post>).



شکل ۱. موقعیت کشورهای عضو سازمان منطقه‌ای گوآم
(Source : http://en.wikipedia.org/wiki/File:Europe_location_GUAM.png)

در حال حاضر اصلی‌ترین و مهمترین محورهایی که باعث گردیده کشورهای منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز در راستای سازمان منطقه‌ای گوآم به یک گروه‌بندی منطقه‌ای دست یابند را می‌توان این گونه بیان کرد:

۱. دغدغه تأمین امنیت و حفظ تمامیت ارضی

جمهوری آذربایجان درگیر مناقشه و جدایی طلبی منطقه خود مختار قره باغ است و از سال ۱۹۹۲ میلادی بر سر حاکمیت این منطقه با همسایه خود ارمنستان جنگ و اختلاف دارد. گرجستان با مشکل جدایی طلبی اوستیای جنوبی و آبخازیا رودر روست و سال‌هاست که بر سر حاکمیت این دو جمهوری و منطقه خودمختار، با روسیه در تنش و کشمکش به سر می‌برد. مولداوی عضو دیگر این سازمان نیز با همین معضل گریبانگیر است و منطقه روس‌نشین «پری دنیسترویه» با ساز جدایی طلبی خود سال‌هاست که مشکل اول این جمهوری در تأمین امنیت ملی و حفظ تمامیت ارضی به حساب می‌آید.

۲. ناراضی‌تبی از جامعه کشورهای مشترک‌المنافع (CIS)

هر چهار کشور گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی از کارایی و عملکرد جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (همسود) که به زعم مسکو جانشین اتحاد جماهیر شوروی شده، در خصوص پرداختن به مسائل و مشکلات اعضاء و تلاش در راستای حل معضلات ناراضی‌اند و وجود آن را چندان ضروری به حساب نمی‌آورند. این سازمان (CIS) که در سال ۱۹۹۱ میلادی و به دنبال فرو پاشی شوروی با پرچم داری و زعامت روسیه تشکیل شد، نتوانسته تاکنون انتظارات اعضاء به خصوص آنهایی که با مشکلات بزرگی نظیر کشورهای مورد بحث مواجهند را برآورده ساخته و باری از دوش آنان بر دارد. رهبران چهار کشور عضو گوآم بارها از جامعه کشورهای مشترک‌المنافع به رهبری روسیه انتقاد کرده و فلسفه وجودی آن را زیر سؤال برده‌اند. آنان روسیه را به تک روی و انحصارگرایی در درون جامعه مشترک‌المنافع متهم کرده و سیاست‌های خود محورانه مسکو را عامل عدم موفقیت و بن بست موجود در این مجموعه سیاسی می‌دانند. بنابراین تأسیس گوآم را از جهتی می‌توان نوعی واکنش به ناکار آمدی CIS و تلاش در جهت خروج از انفعال به وجود آمده در سایه عملکرد بی‌خاصیت آن تلقی می‌کنند.

۳. ظرفیت‌ها و امتیازات ژئوپلیتیکی منطقه قفقاز

موقعیت فوق‌العاده مهم و ژئواستراتژیک قفقاز جنوبی و حوزه دریای سیاه که کشورهای عضو گوآم در آن قرار گرفته‌اند، نقش کلیدی و غیر قابل انکاری در خطوط ارتباطی و شاهراه‌های مواصلاتی بین شرق و غرب و شمال و جنوب ایفا می‌کند. این موقعیت کم نظیر جغرافیایی، شرایط بسیار مطلوبی در امر حمل و نقل و ترانزیت کالا و تعامل تجاری و اقتصادی کشورهای منطقه و حتی فراتر از آن را به وجود آورده به طوری که در اجلاس باکو سران کشورهای عضو، یکی از اساسی‌ترین محورهای همکاری را موضوع حمل و نقل عنوان کرده و بر گسترش خطوط مواصلاتی به ویژه احداث و گسترش راه آهن تأکید کردند (<http://negahema.mihanblog.com/post/>).

۴. ترانزیت انرژی و خطوط انتقال نفت و گاز

در مقطع فعلی، مهمترین محور و زمینه همکاری اعضای گوآم ترانزیت انرژی و راه‌اندازی و بهره‌برداری از خطوط انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر با استفاده از اراضی کشورهای عضو این سازمان به اروپا و غرب است. جمهوری آذربایجان که تنها دارنده منابع نفت و گاز در مجموعه کشورهای گوآم به حساب می‌آید، برای انتقال این منابع به بازارهای جهانی که عمدتاً غرب و اروپا مد نظر است، می‌بایست خطوط مورد نیاز انتقال نفت و گاز خود را از اراضی اعضای دیگر گوآم عبور دهد (<http://negahema.mihanblog.com/post/>).

۵-۲. گوآم سازمانی برای دموکراسی و توسعه اقتصادی: واقعیت‌ها، مقدمات و

دورنماها

بعد از نشست کیف در سال ۲۰۰۶ میلادی درباره کشورهای عضو سازمان در طول ریاست اوکراین بر سازمان گوآم، همکاری در آن به صورت سیستماتیک در آمد. نشست گوآم در باکو به دلیل ایجاد سازمانی برای دموکراسی و توسعه اقتصادی، همکاری بیشتر در قالب سازمان گوآم و همچنین ارائه قابلیت‌های سازمان در برابر شرکای خارجی، از اهمیت بسزایی برخوردار بود. این نشست یک اتفاق مهم بود که به گوآم کمک کرد تا یک جایگاه تعیین کننده در سیستم همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد و در منطقه خود را تثبیت کند و رشد چشمگیر خود را افزایش دهد. مهمترین موارد در سند سیاسی نشست باکو، بیانیه باکو- گوآم بود که: قاره‌ها را به همدیگر می‌رساند و یک ارزیابی سیاسی از همکاری در قالب گوآم در طول زمانی که از نشست کیف گذشته بود را ارائه می‌داد و اهداف توسعه‌ی استراتژیک که باید در آینده دنبال شود را تعیین کرد (www.guam.org.ua/181.913.0.0.1.0).

بیانیه باکو-گوآم راه حلی را برای گسترش همکاری به منظور توسعه ارزش‌های دموکراتیک، رعایت قانون، احترام به حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی، دستیابی به توسعه اقتصادی، اجتماعی پایدار و حفظ امنیت و ثبات در منطقه گوام را تثبیت کرد. همچنین تلاش کرد تا موقعیت و اهمیت سازمان منطقه‌ای گوآم را با یکپارچه ساختن علائق مشترک و تشدید همکاری‌های بیشتر افزایش دهد. این بیانیه نیاز به فعالیت همه جانبه و فعال‌سازی کامل قابلیت‌های اقتصادی، اجتماعی، حمل و نقل، انرژی، رفتارهای انسان دوستانه، زمینه‌های فنی و علمی و بر اجرای قانون کشورهای عضو تأکید کرد. این عمل به منظور ایجاد یک فضای مشترک از یکپارچگی و امنیت در منطقه‌ی گوآم شکل گرفت، و ایده‌ای محوری بود. روسای جمهور همچنین استراتژی گوآم در همکاری ناحیه‌ای و بخشی را نیز مورد موافقت قرار دادند، این یک فاکتور برای توسعه‌ی جدید در سازمان‌ها بود که تمایل کشورهای ما را نه تنها به فعالیت متقابل بلکه به روش‌های پیوند گسترده در همه‌ی زمینه‌های همکاری را منعکس می‌ساخت و همچنین یک قدم عملی و جدی به سمت شناخت ایده‌ی یکپارچگی عمومی و فضای امنیتی بود. فعالیت گروه‌های کاری گوآم نیز همچنین در جهت بکارگیری ایده‌های فوق‌الذکر بود. متعاقباً تلاش‌ها و دستاوردهای گوآم به محتوای ویژه‌ی تقویم‌های گروه‌های کاری و به کیفیت ایده‌های لحاظ شده و اسناد مورد موافقت شده بستگی دارد. این فرایند باید پیشنهادات جدید را برای طراحی یک اساس قانونی از همکاری‌های چند جانبه را ایجاد کند. و به صورت قالب‌هایی در به کارگیری پروژه‌های منطقه‌ای که به ترتیب شامل زیرساخت‌ها و زیرساخت‌ها خواهد شد، در آیند. که همکاری در چارچوب گوآم و همچنین شرکای خارجی را با ترغیب زیادتر فراهم می‌سازد تا همکاری را با این سازمان سرعت بخشند. بر این اساس، اهداف و وظایفی که در اسناد نشست باکو تنظیم شده است و همچنین در سخنرانی روسای هیئت‌های اعزامی، وزرای خارجه و رئیس جمهور کشورهای عضو گوآم بیان گردیده است، کیفیت گفتگوها و میزان تقابلات سیاسی را افزایش خواهد داد. این تلاش‌ها همچنین باعث ارتقاء وجهه عمومی سازمان خواهد شد. و آگاهی عمومی را درباره اولویت‌ها، اهداف و موضوعات و وظایف همکاری مجسم شده را افزایش خواهد داد (www.guam.org.ua/181.913.0.0.1.0).

اگر به نقشه اروپا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که سازمان منطقه‌ای گوآم هم در قالب قلمرو و هم در قالب جمعیت بسیار کوچک می‌باشد و سطح تولید در صنعت و تجارت آن چندان قابل ذکر نمی‌باشد. در عین حال، این دیدگاه به هر کارشناس بی‌طرفی این تفکر را القا می‌کند که این منطقه، بالقوه و دارای قابلیت بالاست و دلیل آن این است که این منطقه می‌تواند به تنهایی به وسیله اقدامات هماهنگ با هدف شکل‌گیری یک گستره‌ی همکاری متمدن بر اساس تجربه، اصول و ارزش‌های اروپایی مورد استفاده قرار گیرد. بدین طریق، یکپارچه‌سازی عمیق‌تر باید بر اساس اصول مهم چهارگانه آزادی، (جا به جایی آزادانه افراد، سرمایه، کالا و خدمات) تضمین شود. به منظور تبدیل شدن به سازمانی که از اعتبار و پرستیژ بالا در صحنه‌های بین‌المللی برخوردار باشد، گوآم باید بر اساس یک سیستم متحد از هم ترازهای ارزشی باشد. اینها شامل، دموکراسی و توسعه اقتصادی می‌باشد که جنبه‌های مربوط به سازمان می‌باشند و آنها را درک می‌کنیم تا در برگیرنده نهادهای دموکراتیک تقویت شده باشند و حقوق بشر را از یک طرف رعایت کنند و از طرف دیگر، برای جمعیت و مردم این کشورها استانداردهای بالای زندگی را فراهم سازند. ایجاد گوآم در دایره‌ی گسترده‌تر باید با انتظارات شهروندان کشورهای شان به ترتیب پیشرفت کیفیت استانداردهای زندگی‌شان تطابق داشته باشد. استراتژی سازمان باید بر ایجاد شرایطی در منطقه برای استفاده‌ی کامل از مجموع قابلیت‌های کشورهايشان و بکارگیری اصطلاحات مربوطه و طرح توسعه با هدف دستیابی به ثبات و شکوفایی بیشتر متمرکز شود. برای بهتر کردن عملکرد سیستم همکاری در گوآم می‌توان به برخی موارد اشاره کرد:

پیش‌نویس، تعیین، تصویب و اجرای توافقات و آداب و رسوم منطقه‌ای؛
به کارگیری مکانیسم قانونی گوآم، تشریح و استفاده‌های دقیق از آنها، جلوگیری از اغتشاش و زیاده روی‌های آنها، و اطمینان از عملکرد تمام و کمال منطقه‌ی تجاری آزاد گوآم با حمایت از حقوق تمام صادرکنندگان و واردکنندگان کشورهای عضو، که با طراحی و آغاز بکار مکانیسم‌هایی برای این عمل امکان پذیر است؛

ایجاد ایده‌ها، طراحی پروژه‌ها، اولویت در ارتباط با زیرساخت‌ها، بکارگیری آنها (حوزه‌هایی که اولویت دارند انرژی و حمل و نقل می‌باشند) (org.ua/181.913.0.0.www.guam).

کشورهای عضو سازمان جنبه‌های ویژه‌ی همکاری با شرکای جداگانه‌ی خارجی، با منطق کاملاً عملیاتی و برنامه‌ریزی شده‌ای از همکاری را طراحی کرده‌اند که در اسناد خلاصه‌ی گزارش جلسات گوآم- آمریکا، گوآم- ژاپن و گوآم - لهستان منعکس شده است. با آمریکا، این عمل به تلاش‌هایی برای سازماندهی و همکاری فعال با کشورهای درون این سازمان از مراکز اجرای قوانین مجازی، برنامه‌ی همکاری بین اعضای اجرایی، خدمات مرزی در گوآم، برنامه کمکی دبیرخانه و کل برنامه‌های رفاه و تسهیل حمل و نقل و تجارت مرتبط می‌باشد. با ژاپن این عمل به فناوری ذخیره‌ی انرژی و توریسم مربوط می‌شود و با لهستان در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل و ایجاد یک منطقه آزاد تجاری در قالب‌های متفاوت می‌باشد. اتحادیه اروپا نیز یک شریک اصلی برای گوآم می‌باشد. در ۳۰ نوامبر سال ۲۰۰۷ میلادی اولین جلسه غیر رسمی در مادرید در چارچوب گوآم با گروهی از کشورهای اتحادیه اروپا و طرفدار گوآم، برگزار شد. تبادل نظرات منجر به توافق برای برگزاری نشست دیگری شد. قبل از آن طرفین طوافق کردند تا یک برنامه‌ی را طراحی کنند و بر مبنای موضوع گفتگوها تبادل نظر کنند. اهداف و

وظایف تعیین شده در اسناد سرمایه‌گذاری گوآم کاملاً با اهداف و وظایف پیش روی اتحادیه اروپا در اروپای جنوب شرقی و به خصوص منطقه گوام تطابق دارد. سیاست همسایگی اروپای جدید به وسیله قابلیت‌های آن، اتحادیه اروپا را به همکاری‌های منطقه‌ای ترغیب می‌کند و از طرف دیگر، گوآم به خاطر موارد مورد علاقه‌ی کشورهای عضو آن، یک ابزار مؤثر برای همکاری‌های منطقه‌ای است. که مطمئناً با یک ساختار همکاری قانونی و نهادی، آنها قادر خواهند بود، اتحادیه اروپا را در اجرای طرح‌هایش برای به کارگیری پروژه‌ها و برنامه‌های متنوع در منطقه‌ی آنها ترغیب کنند. امیدوار کننده‌ترین حوزه‌های همکاری در چارچوب اتحادیه اروپا-گوآم، مبارزه با جانیات سازمان یافته و یکی از بزرگ‌ترین نمادهای آن، مهاجرت غیرقانونی، انرژی و حمل‌ونقل می‌باشد، بر طبق شرایط، پروژه‌ی مبادله سفیر از اهمیت قابل توجهی برخوردار است که می‌تواند گوآم را در یک موقعیت کاملاً جدید در سیستم همکاری با اتحادیه اروپا در ابعاد مختلف وارد نماید. به این دلیل و بنا به دلایل مختلف دیگر می‌توان گفت که یکی از طبیعی‌ترین شرکای گوآم اتحادیه اروپا می‌باشد (www.guam.org.ua/ 181.913.0.0.1.0).

۳-۵. گرایش‌ها و سازگاری‌های سیاسی در کشورهای عضو گوآم

شناخت گرایش‌های سیاسی مرتبط، نیاز به غلبه بر خطرات تهدید کننده یکپارچگی منطقه‌ای است، در عین حال جریان‌های دیگری نیز وجود دارد که گرایش‌های سیاسی جامعه استراتژیک کشورهای عضو گوآم را بهم پیوند می‌زند. نخست این که یک کشور با کشورهای دیگر چگونه در ارتباط است. فراهم شدن این شرایط بر اساس تعادل در مداخله‌ی خارجی بدون تحت فشار قرار گرفتن توسط کشوری دیگر اتفاق می‌افتد و تأثیر گذاری‌های سیاسی افزایش می‌یابد. به خصوص در رابطه با قدرت‌های همسایه می‌توان به عنوان یک نمونه دارای چنین وضعیتی از متحدانی که در رابطه با روسیه و ارمنستان فراهم شده است مثال زد که ارمنستان را تبدیل به سکوی پرتاب روسیه کرده است. اما وقتی کشورهای کوچک ترتیبی می‌دهند تا از این وضعیت دوری کنند وارد اتحادیه‌های مؤثر می‌شوند و وزنه‌ی سیاسی موجود در صحنه‌های بین‌المللی را افزایش می‌دهند. از این رو، ماهیت خاص دوره جهانی شدن چنین است که حتی کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد. وقتی از این زاویه به مسئله می‌نگریم، گوآم خواهان گرایش‌های بلند مدت همه کشورهای عضو خود می‌باشد.

ثانیاً: گوآم یکپارچه‌سازی کشورهای عضو خود را در ساختار اتحادیه‌ی اروپا آسان‌تر ساخته است. چنین یکپارچگی، هدف همه کشورهای عضو گوآم می‌باشد و چارتر سازمان به عنوان یکی از اهداف ثبت شده است (یکپارچه سازی عمیق‌تر با اروپا برای ایجاد یک فضای امنیتی مشترک). از این رو بعضی از کارشناسان معتقدند که یکی از اهداف استراتژیک دنبال شده توسط کشورهای گوآم، حتی اگر رسماً هم اعلام نشده باشد، ترکیب تلاش‌ها برای پیوستن به ناتو می‌باشد. ثالثاً: این نوع سازمان، کشورهای عضو را قادر می‌سازد تا کمک‌های اقتصادی و سیاسی تعدادی از کشورهای ثالث را که تأثیر بسزایی بر فرآیندهای منطقه‌ای و جهانی داشته‌اند را وارد لیست خود نمایند. جدا از بعضی از کشورهای اروپای غربی، شامل آمریکا و ترکیه نیز می‌شود که علاقمندند نفوذ اقتصادی و سیاسی روسیه و کشورهای شوروی سابق پایان یابد یا حداقل برسد ([http:// www.gazeta. Ru/polities/ 2007/10/11](http://www.gazeta.Ru/polities/2007/10/11)).

در عین حال، این جریان چیزی است که یکی از عمده‌ترین مسائل منطقه آسیب پذیر گوآم را شکل می‌دهد. بیشتر بخاطر این که تصویر هواداری گوآم از آمریکا کاملاً در اذهان عمومی روسیه تثبیت شده و بنابراین نهادهای سیاسی روسیه این سازمان را با تحقیر می‌نگرند در حالی که بعضی از رسانه‌های جمعی روسیه و بعضی از کارشناسان روسی به وضوح می‌گویند که این یک نهاد ضروری است. بر طبق نظر جامعه متخصصان روسی وظایف ژئوپلیتیکی گوآم، در آمریکا برنامه‌ریزی شده است که بعضی از تحلیل‌گران کشورهای عضو گوآم این سازمان را به عنوان یک گزینه برای CIS می‌دانند (www.regnum.ru/news). به عقیده‌ی آنها CIS توسط روسیه ایجاد شده است تا کشورهای شوروی سابق را مستعمره خویش سازد. با چنین تأثیرگذاری زیاد، روسیه به جمهوری‌های شوروی سابق تسلط دارد (و در آینده نزدیک نیز به این کار ادامه خواهد داد) چنین مخالفت آشکار گوآم با روسیه و CIS زیاد با تمایلات گروه‌های عضو همراه نیست. آینده‌ی گوآم عمدتاً به این بستگی دارد که آیا اعضای آن از حمایت کشورهای غربی لذت خواهند برد در حالی که جهان غرب، معیارهای نسبتاً مؤثری را به کار گرفته است تا نگرش کاملاً منفی روسیه را خنثی کند و سازمان‌های ایجاد شده تحت نظارت آن را بی‌ارزش جلوه دهد. بدیهی است که رهبران کشورهای عضو گوآم، اهمیت چنین رفتار نرمشی را با درجات متفاوت درک کرده‌اند. مهمترین هوادار نرمش رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف می‌باشد. از جملات مکرر و آشکار وی است که ایجاد گوآم و فعالیت‌های آن در تقابل CIS یا هر کشور ثانویه دیگری نیست. حتی آن دسته از کارشناسان که معتقدند گوآم به عنوان یک گزینه برای جانشینی CIS می‌باشد خاطر نشان کرده‌اند که آذربایجان تنها عضو این سازمان است که همکاری‌های ساختاری خود را با روسیه ادامه می‌دهد در طول سالیان اخیر گرایش‌های سیاسی مشترک کشورها مهمترین محرک برای آنها برای ایجاد همه نوع اتحاد و همکاری می‌باشد. اما در چندین دهه گذشته، سازگاری فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشورهای وضعیت مهم رو به رو رشدی برای وارد شدن به این اتحادها را فراهم می‌سازد. یک مثال خوب در اینجا فرایند پذیرش ترکیه در اتحادیه‌ی اروپا است: مهمترین بحث مخالفان (که به صورت رسمی اعلام کرده‌اند) تقریباً همیشه به ناسازگاری ترکیه با استانداردهای اروپایی در پارامترهای خاص محدود شده است (سطح توسعه اقتصادی، میزان آزادی سیاسی، آزادی محیط‌های تجاری، تجارت خارجی) در این زمینه نگاهی دقیق‌تر به مسئله سازگاری سیاسی بین کشورهای گوآم می‌اندازیم (http://www.newsru.com/Russia2006).

علیرغم تفاوت‌های نسبتاً بارز در سیستم‌های سیاسی، به خصوص در تعادل بین، شاخه‌های قانونی و اجرایی قدرت و همچنین در اختیار داشتن آژانس‌های اجرایی متفاوت، همه کشورهای عضو گوآم دارای نظام جمهوری یا رئیس‌جمهور می‌باشند. بعد از استقلال، دوباره هر ۴ کشور ساختار کشور دموکراتیک - سکولار را به عنوان هدف نهایی سیاست رسمی خود اعلام کردند. سیستم‌های سیاسی کشورهای عضو گوآم، کاملاً به هم نزدیک می‌باشند. از این رو، در قالب بعضی از شاخص‌های سطوح توسعه دموکراتیک، آنها به طور بارزی متفاوت هستند. این تفاوت، آشکارا در مطالعات مقایسه‌ای میان کشورها قابل مشاهده است. یکی از معروف‌ترین مطالعات از این نوع، گزارش سالانه منتشر شده توسط خانه‌ی آزادی شهروندی تعیین می‌شود که در آن سطح دموکراسی در کشورهای گوناگون بر اساس میزان حمایت آنها از حقوق سیاسی و آزادی شهروندی تعیین می‌شود. برای ملت‌های در حال گذار از یک دوره (در آخرین گزارش خانه‌ی

آزادی، اینها شامل کشورهای اتحادیه‌ی شوروی سابق و بلوک سوسیالیست می‌باشد) این مطالعات در یک چارچوب دقیق‌تر هدایت می‌شوند. مجموع امتیازات دموکراسی برای یک کشور بر اساس این دسته بندی‌ها می‌باشد: ۱. فرایند انتخابات (EP)؛ ۲. جامعه شهری (CS)؛ ۳. رسانه‌های مستقل (IM)؛ ۴. دولت دموکراتیک: دولت ملی (NGOV)؛ دولت محلی (LGOV)؛ ۵. استقلال و چارچوب قضایی (HFI)؛ ۶. فساد (CO)؛

برای هر کدام از این پارامترهای دموکراسی، کشورها در یک معیار ۷ امتیازی رتبه‌بندی می‌شوند. هر چه رتبه بالاتر باشد، سطح آزادی کمتر است. تغییر در رتبه کشورها به نوع اتفاقات و فرآیندهای که در آن کشور در طول دوره‌ی تحت بررسی اتفاق می‌افتد، بستگی دارد. و رتبه بندی قبل را به عنوان یک پایه محاسباتی در نظر می‌گیرند. کشورهایی با میانگین امتیاز ۱ تا ۲.۵ آزاد تلقی می‌شوند. امتیازات ۳ تا ۵ نسبتاً آزاد و بین ۵/۵ تا ۷ آزاد نیستند. بسته به امتیاز آن کشورها، همچنین بر طبق نوع رژیم‌های سیاسی طبقه‌بندی می‌شوند: دموکراسی یکپارچه (امتیاز دموکراسی ۱ تا ۲)؛ دموکراسی نسبتاً یکپارچه، امتیاز ۳؛ دولت‌های موقت یا رژیم‌های ۲ حکومتی، امتیاز ۴؛ کشورهای دیکتاتور نسبتاً یکپارچه، امتیاز ۵؛ رژیم‌های کاملاً دیکتاتور، امتیاز ۶ تا ۷ را دارند. گزارش سال ۲۰۰۷ میلادی دوره‌ای را از ژانویه تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۰۶ پوشش داده که در جدول (۱) آمده است. این جدول میزان و نمره نهایی دموکراسی که متعکس کننده‌ی سطح توسعه دموکراتیک در گوام و کشورهای یورسک^۱ می‌باشد را نشان می‌دهد. همچنین نشانگر میانگین این ارتباطات درون کشوری نیز می‌باشد. یورسک در سال ۲۰۰۰ میلادی توسط ۵ کشور: بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان تأسیس شد. بعداً ازبکستان نیز به آنها ملحق شد. گوام و یورسک، دو نهاد بین‌المللی عمده می‌باشند که در قلمرو مرزهای شوروی سابق تأسیس شده‌اند.

جدول ۱. میزان آزادی‌های سیاسی و آزادی‌های مدنی در کشورهای گوام و یورسک (۲۰۰۶ میلادی)

شخص کشور	فرایند انتخابات EP	جامعه شهری CS	رسانه‌های مستقل IM	دوات ملی NGOV	دولت محلی LGOV	استقلال و چارچوب قضایی JFI	فساد CO	امتیاز دموکراسی	وضعیت	نوع رژیم
آذربایجان	۶.۵۰	۵.۲۵	۶.۲۵	۶	۶	۵.۷۵	۶.۲۵	۶	آزاد نیست	دیکتاتوری
گرجستان	۴.۵۰	۳.۵۰	۴	۵.۵۰	۵.۵۰	۴.۷۵	۵	۴.۶۸	نسبتاً آزاد	نسبتاً دیکتاتوری
مولداوی	۳.۷۵	۳.۷۵	۵.۲۵	۵.۷۵	۵.۷۵	۴.۵۰	۶	۴.۹۶	نسبتاً آزاد	نسبتاً دیکتاتوری
اوکراین	۳	۲.۷۵	۳.۷۵	۴.۷۵	۵.۲۵	۴.۵۰	۵.۷۵	۴.۲۵	نسبتاً آزاد	دیکتاتوری
مجموع گوام	۴.۴۴	۳.۸۱	۴.۸۱	۵.۵۰	۵.۶۳	۴.۸۸	۵.۷۵	۴.۹۷	-	-
بلاروس	۷	۶.۵۰	۶.۷۵	۷	۶.۵۰	۶.۷۵	۶.۲۵	۶.۶۸	آزاد نیست	دیکتاتوری
قزاقستان	۶.۵۰	۵.۷۵	۶.۷۵	۶.۷۵	۶.۲۵	۶.۲۵	۶.۵۰	۶.۳۹	آزاد نیست	دیکتاتوری
قرقیزستان	۵.۷۵	۴.۵۰	۵.۷۵	۶	۵.۵۰	۵.۵۰	۶	۵.۶۸	آزاد نیست	دیکتاتوری
روسیه	۶.۵۰	۵.۲۵	۶.۲۵	۶	۵.۲۵	۵.۲۵	۶	۵.۸۶	آزاد نیست	دیکتاتوری
تاجیکستان	۶.۵۰	۵	۶.۲۵	۶.۲۵	۵.۷۵	۵.۷۵	۶.۲۵	۵.۹۶	آزاد نیست	دیکتاتوری
ازبکستان	۶.۷۵	۷	۷	۷	۶.۷۵	۶.۷۵	۶.۵۰	۶.۸۲	آزاد نیست	دیکتاتوری
مجموع یورسک	۶.۵۰	۵.۶۷	۶.۴۶	۶.۵۰	۶.۰۴	۶.۲۵	۶.۲۵	۶.۲۳	-	-

SOURCE: http://www.Freedomhouse.hu/images/fdh_galleries/NIT2007/rating%20and%20democracy%20score%20summary3.pdf

۶. بحث و نتیجه گیری

کاملاً مشهود است که وضعیت کلی در کشورهای شوروی سابق در حوزه آزادی‌های سیاسی و مدنی کاملاً نامطلوب است. در کشورهای گوآم، وضعیت کمی بهتر از کشورهای یورسک می‌باشد. ۳ کشور از ۴ کشور عضو گوآم، در طبقه‌بندی نسبتاً آزاد با رژیم‌های سیاسی نسبتاً استبدادی قرار گرفته‌اند در حالی که همه ۶ کشور عضو یورسک در طبقه‌بندی در وضعیت بدون آزادی و رژیم‌های استبدادی مطلق قرار گرفته‌اند. تفاوت بین میانگین شاخص‌های توسعه‌ی دموکراتیک و امتیازات دموکراسی برای گوآم و یورسک کاملاً بارز است (۱/۲۶ امتیاز) این فاصله برای فرآیندهای انتخابگران به بیشترین حد خود (۲/۰۶) می‌رسد و برابر فساد به کمترین حد خود (۵) می‌رسد. اما نزدیکی امتیازات آنها در پارامتر دوم (فساد) به خاطر این واقعیت است که، متأسفانه همه‌ی کشورهای شوروی سابق در معرض نفوذ زیان بار فساد جمعی و گروهی قرار دارند. کشورهای گوآم همچنین در قالب بلوغ جامع مدنی با امتیاز (۱/۸۶) و استقلال رسانه با امتیاز (۱/۶۵) از کشورهای یورسک جلوتر می‌باشند.

می‌توان چنین گفت که میزان سازگاری سیاسی میان کشورهای یورسک به نسبت کشورهای عضو گوآم بیشتر است. زیرا این کشورها، بدون استثناء با توجه به توسعه دموکراتیک و نمونه‌های مشابه رژیم‌های سیاسی وضعیت حاکم یکسانی دارند. این واقعیت که این هویت "هویت در بعد منفی" است، که این کشورها به طور مساوی غیر دموکراتیک و استبدادی می‌باشند و هیچ تفاوتی بین آنها وجود ندارد. مرسوم است که کشورهایی با سطوحی نسبتاً مشابه از آزادی مدنی و سیاسی، آسان‌تر می‌توانند متحدان بلند مدت داشته باشند. حاکمان مستبد و دیکتاتور، بسیار برایشان آسان‌تر است تا در میان خودشان مذاکره و توافق داشته باشند. و همچنین شرایطی را به رهبران کشورهای دموکراتیک ندارند؛ اگرچه حالت عکس آن نیز کاملاً صادق است، کشورهای مستبد اغلب درگیری و منازعه آشکار (شامل موارد نظامی نیز می‌شود) با سایر کشورها چه دموکراتیک و چه مستبد می‌باشند، دارند. البته هنوز در دنیای امروزی مثال‌های فراوانی وجود دارند، جایی که به منظور ایجاد اتحادیه‌های چند کشوری، هویت نگرش‌های اقتصادی یا سیاسی، تضادهای بین سیستم‌های اقتصادی و سیاسی در بعد ملی، قدرت می‌گیرند، ولی آنها فقط متحدان نظامی می‌باشند. سازگاری نامناسب و وضعیت کشورهای عضو گوآم به دلیل این است که یکی از متحدان آنها، آذربایجان به عنوان یک کشور غیر آزاد طبقه بندی شده است. و لذا از نظر مقیاس جهانی با سایر شرکایش متفاوت است. باید پذیرفت که در قالب سطوحی مانند: حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، آذربایجان به نسبت به کشورهای یورسک نزدیک‌تر است. در عین حال جریان‌ها به آذربایجان یک مزیت خاص می‌دهد، با ورود به اتحادیه‌ای که بیشتر اعضای آن کشورهای دموکراتیک‌تری می‌باشند، خود به خود یک تعهد بوجود می‌آید که آذربایجان سطوح خود را افزایش دهد، و در کوتاه مدت بیشتر تحرک به پیشرفت شود و وضعیت آزادی‌های سیاسی و مدنی را بهبود بخشد.

یک نگاه دقیق‌تر به میانگین عملکرد کشورهای عضو گوآم، نشان می‌دهد که کشورهای عضو، بیشترین پیشرفت را در توسعه‌ی اجتماعی و متمدن بودن با امتیاز (۳/۸۱) دارند و کمترین پیشرفت را در مبارزه با فساد دارند (۵/۷۵). دولت‌های ضعیف از نظر دموکراسی، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی یک مشکل چالش برانگیز برای این کشورها محسوب می‌شوند. بهترین موفقیت در سطح اجتماع متمدن در اوکراین با امتیاز (۲/۷۵) می‌باشد و بدترین میزان

برای دموکراسی و انتخابات در آذربایجان با امتیاز (۶/۵۰) می‌باشد. انتخابات ریاست جمهوری که در سال ۲۰۰۸ میلادی برگزار شد، به آذربایجان یک فرصت واقعی داد تا به طور قابل توجهی وضعیت خود را بهبود بخشد. در این انتخابات با وجود فقدان گزینه‌های واقعی، مقامات می‌توانند با تخلف جدی از قانون انتخابات یا فرایند انتخاب شدن، برنده آن شوند، زیرا هیچ جناح مخالف پر طرفدار یا خوب سازمان یافته یا قدرتمند از نظر مالی در کشور وجود نداشت. از سال ۱۹۹۷ داده‌هایی در سطح آزادی دموکراتیک (توسعه دموکراتیک) در کشورهای عضو گوآم در مدت ۸ سال گذشته در جدول (۲) آورده شده است. شاخص‌های میانگین برای کشورهای عضو گوآم منعکس کننده‌ی سطح دموکراسی سیاسی بود که به تدریج در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۰ بدتر شده است و در سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ بهتر شده بود. پیشرفت‌های دموکراتیک عمومی در گوآم در مدت ۳ سال گذشته احتمالاً مشهودتر بود، اما وضعیت آزادی‌های مدنی و سیاسی در آذربایجان در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۷ بدتر شد. در آخرین گزارش خانه آزادی، فقط اوکراین در گزارش مخصوص سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ میلادی به عنوان کشور دموکراتیک‌تر انتخاب شده بود. سایر کشورهای گوآم، مقایسه دوران‌های آغازین و نهایی نشان از یک نگرش منفی داشت که بیشتر در گرجستان و مولداوی اظهار شد.

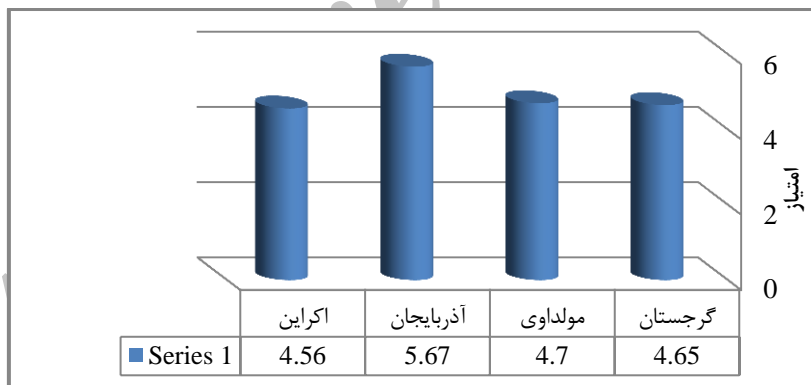
جدول ۲. امتیاز دموکراسی برای کشورهای عضو گوآم (۲۰۰۰-۲۰۰۷)

سال‌ها کشورها	۱۹۹۹- ۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
آذربایجان	۵.۵۸	۵.۶۳	۵.۵۴	۵.۴۶	۵.۶۳	۵.۸۶	۵.۹۳	۶
گرجستان	۴.۱۷	۴.۳۳	۴.۵۸	۴.۸۳	۴.۸۳	۴.۹۶	۴.۸۶	۴.۶۸
مولداوی	۴.۲۵	۴.۲۹	۴.۵۰	۴.۷۱	۴.۸۸	۵.۰۷	۴.۹۶	۴.۹۶
اوکراین	۴.۶۳	۴.۷۱	۴.۹۲	۴.۴۱	۴.۸۸	۴.۵۰	۴.۲۱	۴.۲۵
مجموع گوآم	۴.۶۶	۴.۷۴	۴.۸۹	۴.۹۳	۵.۰۶	۵.۱۰	۴.۹۹	۴.۹۷

SOURCE: http://www.freedomhouse.hu/images/fdh_galleries/NIT2007/democracy%20-%20regional3.pdf

با توجه به مباحث مطرح شده در ارتباط با نقش و تأثیر کشورهای عضو گوآم، در منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز در عصر جهانی شدن، همچنین با آمار و ارقام ارائه شده در جداول از سوی خانه آزادی می‌توان بیان کرد که ۳ کشور از ۴ کشور عضو گوآم، در طبقه‌بندی، نسبتاً آزاد با رژیم‌های سیاسی نسبتاً استبدادی قرار گرفته‌اند. مثلاً در آذربایجان میان سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ روند آزادی‌های سیاسی و اجتماعی رو به وخامت داشته است و از نمره ۵/۵۸ در سال ۲۰۰۰ به نمره ۶ رسیده است که افزایش دیکتاتوری و استبداد را نشان می‌دهد. از این رو نتایج حاصل شده توسط خانه آزادی، مسئولان رسمی را ناراحت ساخته است، به عقیده آنها یک فرایند فعال از دموکراسی سازی در زندگی اجتماعی در درون این کشور باید در حال پیشرفت باشد. در گرجستان که نسبتاً در سال‌های اخیر این وضعیت را بهبود بخشیده است، این مطالعات توسط اعضاء اپوزیسیون که اعتقاد داشتند که خانه آزادی کاملاً توسط وزارت خارجه‌ی آمریکا کنترل می‌شود، مورد انتقاد واقع شده است؛ و از میزان امتیاز گرجستان برای آزادی سیاسی به صورت ساختگی حمایت کرده‌اند. این عمل به منظور متقاعد ساختن جامعه گرجستان و نظرات جامعه‌ی جهانی به قانونی بودن نقش آنها در انقلاب‌های رنگی بوده است.

در دیگر کشورهای سازمان گوآم نیز به نسبت‌های متفاوت کارکرد و نقش آزادی و برقراری دموکراسی با چالش همراه بوده است. در شکل (۲) میانگین امتیاز دموکراسی بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ میلادی در کشورهای عضو گوآم را نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود همهٔ اعضاء از داشتن یک سیستم دموکراتیک بی‌بهره‌اند. از این رو عوامل و معیارهایی که نیازمند برقراری روابط چند جانبه میان کشورهای عضو سازمان گوآم و روابط برون منطقه‌ای می‌باشند در این سازمان نتوانسته به نحو مطلوب شکل بگیرند تا نقش این سازمان در عصر جهانی نمودار گردد. به علاوه آینده‌ی گوآم عمدتاً به این بستگی دارد که آیا اعضای آن از حمایت کشورهای غربی بهره خواهند برد. در حالی که جهان غرب، معیارهای نسبتاً مؤثری را به کار گرفته است تا نگرش کاملاً منفی روسیه را خنثی کند و سازمان‌های ایجاد شده تحت نظارت آن را بی‌ارزش جلوه دهد. بدیهی است که رهبران کشورهای عضو گوآم، اهمیت چنین رفتار نرمشی را درک کرده‌اند ولی با درجات متفاوت. مهمترین هوادار نرمش رئیس جمهور آذربایجان، الهام علی‌اف می‌باشد. از جملات مکرر و آشکار وی این است که ایجاد گوآم و فعالیت‌های آن در مقابل CIS یا هر کشور ثانویه دیگری نیست. بنابراین کشورهای منطقه‌ی قفقاز که همواره حضور و رقابت دو ابرقدرت را در این منطقه احساس می‌کنند به دلیل عدم اتخاذ یک سیاست منطقه‌ای واحد نتوانسته‌اند حتی در چارچوب سازمان منطقه‌ای گوآم به یک وحدت اقتصادی-سیاسی دست یابند. به طوری که با ورود آمریکا به منطقه قفقاز، روسیه در مرزهای جنوبی خود بیش از هر زمان دیگر احساس عدم امنیت و تهدید می‌کند. برخورد منافع این دو قدرت فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای، کشورهای منطقه را دچار تنش خواهد کرد و به نظامی شدن بیشتر منطقه و عدم ثبات سیاسی-اقتصادی دامن خواهد زد.



شکل ۲. میانگین امتیاز دموکراسی برای کشورهای عضو گوآم (۲۰۰۰ - ۲۰۰۷)

۷. تشکر و قدردانی

نویسندگان این مقاله از معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران به دلیل مساعدت مالی قدردانی می‌نمایند.

۸. منابع

۱. آشفته تهرانی، امیر، ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی جهانی شدن، چاپ اول، نشر دانژه، تهران.
۲. امیراحمدیان، بهرام، ۱۳۸۳، تحولات ژئوپلیتیکی قفقاز پس از واقعه ۱۱ سپتامبر، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۲۹ اردیبهشت.
۳. پیشگاهی‌فرد، زهره، ۱۳۸۰، نگرشی ژئوپلیتیکی بر پدیده جهانی شدن، تئوری نظام‌های فضا - منطقه‌ای؛ تهران، انتشارات دوره عالی جنگ
۴. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی (پژوهشکده امیرکبیر).
۵. حاتمی‌نژاد، حسین و جهانگیر، ابراهیم، ۱۳۸۷، جهانی شدن و تحولات شهرها، فصل‌نامه سپهر، انتشارات سازمان جغرافیایی، دوره شانزدهم، شماره ۶۳.
۶. کولایی، الهه، ۱۳۸۹، جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، سال ششم، شماره اول.
۷. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، ۱۳۷۲، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، جلد اول و دوم، چاپ اول، انتشارات قومس.
۸. قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۴، روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها، چاپ اول، انتشارات قومس.
۹. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۱، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ اول، انتشارات سمت.
۱۰. مجتهدزاده، پیروز، ۱۳۸۵، جغرافیای سیاسی و نظام بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. ولی‌قلی‌زاده، علی و الله‌وردی، رضا، ۱۳۸۹، نگرشی ژئوپلیتیکی - ژئوآکونومیکی بر منطقه آزاد تجاری - صنعتی ارس، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
۱۲. یزدانی، عنایت‌الله و دیگران، ۱۳۸۶، تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازی بزرگ جدید، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز.
13. See: Statement of the GUAM Vilnius Summit, available at [<http://www.guam.org.ua/181.913.0.0.1.0.phtml>]
14. See, for example : R. Manekin, SNG-GUAM : ispytanie Ukrainoi? Political Expert Network Kreml.org, available at [<http://www.kerml.org/opinions/85607560>]
15. See, for example : S. Blank, Russia s Real Drive in the South, Orbis, Summer 1995, Vol. 39, No.3, pp.369-386; J.W.R. L epingwell, The Russian Military and Security Policy in the Near Abroad, Survival, Autuma 1994, vol. 36, No. 3, pp. 70- 92; A. Rondeli, Russia AND Georgia : Relation are Still Tense, The Caucasus & Globalization, Vol. 1 (1), 2006, p. 68
16. See, for example : V. sergeev, GUAM obodiot truboi Russiu, Gazeta RU, 11 October, 2007, available at { http://www.gazeta.ru/politics/2007/10/11_a_2232166.shtml }
17. See, for example: GUAM- SANITARNYI KORDON VOKRUG Rossia, BBC Monitoring Service: Summary of Russian Press for 23 May, 2006, available at {http://news.bbc.co.uk/Russian/press/newsid_5007000/5007156.stm#1 }
18. See, for example : V. Guluzade, GUAM- Alternativa SNG, REGNUM News Agency, 26 May, 2006, available ar { www.regnum.ru/news/646903.html }
19. See, for example : President Illham Alirv s interview with Ekho Moskvyy (Echo of Moscow) radio station on 25 December, 2006 (see full text at : { http://www.mediaforum.az/articles.php?lang=rus &page=02&article_id=20061225011038597 }
20. See, for example : Rossiiskie SMI: GUAM- klub obizhennykh na bolshogo brata- Rossiui, Press review on the GUAM Kiev Summit, available at {<http://www.Newsru.com/Russia/24may2006/guama.htm> }.
21. Compiled form : Nations in Transit 2007 : Democratization from Central Europe to Eurasia, available at { http://www.Freedomhouse.hu/images/fdh_galleries/NIT2007/rating%20and%20democracy%20score%20summary3.pdf }, November 2007.
22. Compiled from : Nations in Transit 2007, available at {http://www.freedomhouse.hu/images/fdh_galleries/NIT2007/democracy%20-%20regional3.pdf }, November 2007
23. See, for example : Ali Gasannov ne soglasen s otchotom organizatsii Freedom House, Interview with electronic newspaper Day.az, available at {<http://www.day.az/news/politics/47591.html> }. The government of Uzbekistan has gone down by decision of Uzbek law-enforcement agencies (see : Uzbekistan vydvoraiet Freedom House, available at {<http://www.day.az/news/world/43419.html> })
24. See: Ponedelinik (weekly of the SOUTH Caucasus Institute of REGIONAL Security), No.22, 2006, p.7.
25. <http://negahema.mihanblog.com/post/18>
26. http://en.wikipedia.org/wiki/File:Europe_location_GUAM.png